

مصوبه سنای آمریکا در مورد مذاکرات هسته ای

امیر فیض - حقوقدان

اشاره ای به سابقه این تحریر

در تحریر «تبانی گره گوردرد مذاکرات هسته ای»^۱ بتاریخ ۲۷/۰۴/۲۰۱۵ گفته شد که:

در فاصله بین اجلاس نوزان که منجر به انتشار تفاهم نامه های متفاوت و متغایر بین وزارت خارجه آمریکا و جمهوری اسلامی گردید کنگره آمریکا طرح قانونی کورکر کارتر که لزوم طرح راه حل جامع مذاکرات هسته ای در کنگره آمریکا بود را به جریان گذاشت که بموجب آن آقای باراک اوباما مکلف میشد ظرف ۵ روز موافقت نامه نهائی رابه کنگره تسلیم کند و کنگره واجد این حق میشد که ظرف مدت یکماه چنانچه تغییراتی در آن لازم بداند را به عمل آورد

مجلس سنا طرح کنگره را تائید کرد اما با شیطنتی خاص

همانطور که استحضار دارید سنای آمریکا طرح کنگره را با ۹۸ رای از ۱۰۰ رای تصویب کرد ولی بایک تغییر خیلی کوچولو!! که زیر آن تغییر هدف ها و برنامه های شیطانی منظم شده است و آن این است که عبارت چنانچه کنگره تغییراتی در طرح لازم بداند به عمل آورد» تبدیل شد به کنگره اختیار دارد که توافق هسته ای احتمالی با ایران را بازبینی و یا حتی رد کند»

پرواضح است که حقوق متوجه حق رد موافقت نامه، با حق بازبینی و تغییرات لازم در آن کلی تفاوت دارد. حق رد جای هیچگونه بازبینی و یا مذاکره برای تغییر و یا توضیح خواستن نسبت به توافق را باز نمیگذارد. حقوق مزبور یعنی بازبینی و تغییر، با قبول اصل توافق بوجود میآید، رد هر نوع توافقنامه ای از سوی کنگره به معنای مخالفت با اصل است در صورتی که حق بازبینی و احتمالا تغییرات از حقوق منتسب به قبول اصل است.

در حق بازبینی و تغییر لازم حد کنگره محدود است به اثبات لازم بودن تغییرات که معمولا کنگره از این حق استفاده نمیکند زیرا موفقیت نامه با نظر کارشناسان فنی و حقوقی آمریکا که تبحر لازم را دارند تهیه شده و آنطور که مطبوعات نوشته اند ۴۷ کارشناس فنی و حقوقی و روانشناس و غیره در کنارهینت آمریکائی در مذاکرات هسته ای با ایران حضور دارند، بنابراین بعید است که یکی از نمایندگان کنگره بر صلاحیت فنی و یا حقوقی هیئت آمریکائی تردیدی وارد سازد.

تغییرات ناشی از بازبینی متضمن این تکلیف است که از موارد تغییر دفاع شود؛ بنظر میآید که تغییر در موادی که یکسال روی آن کار شده و تیمی مجهز به کارشناسان آمریکائی در تنظیم آن دخالت مسئولانه داشته اند کار آسانی باشد که کنگره به آن راه جذب شود.

کنگره در بازی سیاسی و نفوذی و حفظ منافع بلند مدت آمریکا و خواستهای اسرائیل به موافقت نامه نگاه میکند؛ یعنی چیزی که در مسئولیت کنگره است و اینجاست که دست کنگره آمریکا در رد موافقتنامه نه تنها باز است بلکه تحت الشعاع زدوبندهای سیاسی و نفوذ لابی های اسرائیل قرار میگیرد و رد طرح و یا موافقتنامه مانند آفراس ت و نیازی به دلیل ندارد.

البته قانون اساسی و سیره عمل کنگره نشان میدهد که رئیس جمهور آمریکا در صورتی که دوسوم نمایندگان کنگره با نظرش موافق باشند میتواند از حق وتوی خود استفاده کند و تصمیم کنگره را به رد توافق نهائی ۵+۱ با ایران نپذیرد ولی کیفیت تصویب لایحه کنگره در سنای ۹۸ رای از ۱۰۰ نفر که یکی از آنها هم همان کسی است که اساسا با هر نوع مذاکره و توافق با ایران مخالف است نشان میدهد که باید از قید امکان استفاده اوباما از حق وتو گذشت.

خاصه همانطور که در تحریر «تبنانی گره کور...» استدلال شد اساسا برنامه ارجاع موضوع به کنگره یک طرح پنهانی برای تسلط آمریکا بر ایران و پیشبرد مذاکرات بوده است و نمیتوان امید و ار بود که اوباما از حق مزبور در هیچ شرائطی علیه کنگره و بنفع ایران استفاده کند.

فساد در رد توافق با ایران

در تحریر تبنانی در گره کور... عرض شد که کشورهای ۵+۱ در مذاکرات هسته ای با ایران بنیابت از شورای امنیت عمل میکنند نه مستقلا، لذا عمل نیابتی آمریکا از سوی شورای امنیت نیاز به توافق کنگره نسبت به مذاکرات ندارد، و آن شورای امنیت است که باید با مذاکره با ایران موافقت و یا مخالفت کند نه کنگره آمریکا.

اساسا بطور مسجل میتوان گفت که کنگره آمریکا دخالتش در مورد موافقت و یا مخالفت و همچنین اصلاحات، نا موجه و دخالت مستکبرانه است.

نکته ظریفی که در تحریر (تبنانی در گره کور...) مطرح نشد این است که ارجاع موضوع مذاکرات نیابتی شورای امنیت با ایران به کشورهای ۵+۱ پیاده شده در ماده ۴۲ منشور است، نه در تصمیم دولت آمریکا و یا هریک از کشورهای ۵+۱.

یعنی در واقع یک تعهد و احترام به سازمان ملل است که در منشور سازمان هم همه کشورهای عضو سازمان ملل متحد متعهد به رعایت آن شده اند. ممکن است آمریکا و یا هریک از کشورهای ۵+۱ به دلالتی از جمله عدم موافقت کنگره کشورشان از مداخله نیابتی در مذاکرات با ایران خوداری میکردند ولی وقتی قبول کرده اند و یکسال هم ادامه داده اند، آثار این قبول نمیتواند چنین باشد که کنگره آمریکا حق دارد که بگوید نه.

آثار این نه و متعلقات آن که بسیار وسیع است تنها متوجه رئیس جمهور آمریکا نیست متوجه شخصیت بین المللی کشورهای ۵+۱ هم میشود که یک قرار ناخوانده بر آنها بوسیله کنگره تحمیل شده است.

حیرت دارد که مصوبه کنگره با اعتراض کشورهای ۱+۵ مواجه نشده است. آیا در این حد بی شخصیتی و حاکمیت ملی است؟

تالی فاسد دخالت ناموجه

اکنون به بینیم که تالی فاسد این دخالت ناموجه کنگره چیست.

یک فرض در این محور قرار دارد که تصمیم کنگره آمریکا از مراتب حاکمیت ملی آن کشور است و میتوان آنرا ناشی از سیستم اداری حکومت آمریکا دانست، و فرض تباهی و سوء نیت را از آن دور ساخت.

در این حال - اینکه توافق نهایی ۱+۵ با ایران به کنگره برود و کنگره هم با اصلاحاتی آنرا به باراک اوباما برگرداند، معنای این عمل، ایراد به توافقی است که بین ۱+۵ و ایران صورت گرفته است و در معنای حقوقی از موافقت نامه سلب اعتبار میشود، و مفهوم اجرائی آن این است که اصلاحات و تغییرات مورد نظر کنگره در موافقتنامه، باید بموافقت کشورهای ۱+۵ منهای آمریکا و به علاوه ایران برسد.

در سر این کار غیر لازم و اشکالاتی که در عمل بطور حتم بوجود خواهد آمد هر چه باشد و نباشد زمان گیر است و سبب خواهد شد که تکلیف قطعنامه های شورای امنیت علیه ایران معلق بماند و تعلیق آنها به حساب انجام امور اداری و حقوق کنگره گذاشته شود که نمیتوان آنرا یک اقدام عملی و ارادی برای توقف رفع اثر از قطعنامه های شورای امنیت دانست، و این درست جریانی است که با ماهیت ماده ۴۲ منشور و ارجاع آن به کشورهای ۱+۵ منافات دارد.^۲

منافاتش در این است؛ ایران حاضر شده که قطعنامه های شورای امنیت در مورد ماده ۴۲ را بپذیرد و عمل هم کرده است (به ادعای آمریکا) ولی ایران به اعتبار دخالت کنگره نمیتواند از حقوق ناشیه از رفع تحریم های شورای امنیت استفاده کند و همچنین کشورهای ۱+۵ هم نمیتوانند ماموریت از شورای امنیت را در مورد ماده ۴۲ به پایان برسانند.

در این جریان ناهموار و غیر منطقی و غیر اصولی اگر یکی از کشورهای گروه ۱+۵ از مذاکرات مجدد امتناع کند و بهانه آن امتناع راهم دخالت کنگره و رضایت آمریکا به تصمیم کنگره اعلام کند ایراد واردی است که بر مشکلات مذاکرات هسته ای خواهد افزود در حدی که اصالت ۱+۵ را زیر سوال خواهد برد.

فرض رد توافقی جامع

در این فرض که بر معیار روال طبیعی و بدور از تبتانی و صحنه سازی علیه ایران متصور شده مقید شناختن تمامی کشورهای ۱+۵ به صلاحیت دخالت کنگره آمریکا در تصمیم نهایی مذاکرات است و این چنین امری با اصل حاکمیت کشورهای ۱+۵ کاملاً منافی است و نمیتواند قابل قبول شناخته شود.

تشبیه حقوقی

^۲ - درست برخلاف آنچه آقای دکتر نصر اصفهانی در برنامه هفتگی تلویزیونی خود خواستار شده اند تا مردم در نامه ای که برای اجرای ماده ۴۲ سازمان ملل خواهند نوشت با آن کنگره (همبستی ایرانیان) همراهی کند. ح-ک

درفرض عدم وجود سوء نیت وتبانی ازسوی آمریکا وقبول اینکه دخالت آمریکا یک روال اداری و حقوقی تلقی گردد، درماهیت، تصمیم کنگره بصورت شرطی است که برمذاکرات ۵+۱ واردشده است و از آنجا که شرط مزبوربعلل خللی که درآن وجوددارد (که قدری شرح داده شد) شرط مزبورنمیتواند مبطل مذاکرات وتصمیم نهانی ۵+۱ باشد ودرعبارت حقوقی شرط باطل وقراروتصمیم ۵+۱ وایران معتبرخواهد بود.

نتیجه این برداشت حقوقی این است که هریک ازکشورهای گروه ۵+۱ که متن تصمیم نهانی با ایران را به شورای امنیت سازمان ملل ارسال دارند ماموریت ۵+۱ انجام شده تلقی میگردد وهیچ دلیل وسندی وجود ندارد که استحضارشورای امنیت سازمان ملل ازنتیجه مذاکرات ۵+۱ باایران باید انحصارا بوسیله آمریکا سرپرستی به شورای امنیت ارسال گردد.

ولی آیا کشورهای گروه ۵+۱ دررابطه با جمهوری اسلامی از موقعیتی که دارند استفاده خواهند کرد؟

موقعیت مناسب بین المللی

همین روزها درخبرها آمده است که سفیر آلمان در واشنگتن آقای پیترویک گفته است: <کشورهای دیگر از تصمیم کنگره آمریکا برای تحمیل تحریم های جدید علیه ایران حمایت نخواهند کرد.> سفیرمزبور اضافه کرده است: <آلمان ودیگرکشورها به رغم آنکه ممکن است تحریم های جدیدی از سوی کنگره آمریکا سربرزند، آماده اند که پای خودرا ازتحریم ها فراترگذارند (یعنی به آن بی اعتنائی کنند)>.

روزنامه لوموند فرانسه نوشت: <فرانسه نمیتواند زیان هنگفت دشمنی آمریکا وایران را تحمل کند و اضافه کرد فرانسه درسال ۲۰۰۰ چهارمین شریک تجارتي با ایران بود واززمان اجرائی شدن تحریم ها فرانسه درردیف پانزدهم قرارگرفته است. بسیاری ازفرانسویان ازکاخ الیزه انتقاد دارند ومیگویند صادرات فرانسه به ایران ۷۰٪ افت کرده است.^۳

همین چندروز قبل (۱۲ اردیبهشت) دادگاه نیویورک، بزرگترین بانک فرانسوی را بنام <پاریبا> بمناسبت نقض تحریم های ایران ودوکشوردیگریه ۸/۹ میلیارد دلار جریمه کرد بعلاوه اینکه ۵ سال هم بانک مزبور تحت کنترل باشد.

اینطوری نیست که تصورکنیم کشورهای اروپائی بامیل ورغبت هم رکابی آمریکا درتحریم ها شده اند کشورهای آلمان وفرانسه وایتالیا درفاصله سالهای ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۲ مبلغ ۱۵۰ میلیارد دلار زیان دیده اند.^۴

نباید فکرکرد که تحریم های یکطرفه آمریکا علیه ایران ایجاد خسارت علیه کشورهای تحریم کننده نمیشود؛ شکایت بانک ملت علیه وزارت دارائی انگلستان که حکم تحریم بانک ملت را داده بود به خواسته ۳/۹ میلیارد درجریان است وهمچنین خسارات شرکت نفت کش ایران وحتى تحریم افراد چنانکه

^۳ - بانک های فرانسوی بیشترین خسارت ها را در رابطه با معامله با رژیم اسلامی تحمل کرده و جریمه شده اند. ح-ک

^۴ - سفر های پی در پی خانم مرکل به روسیه و حتا شرکت وی در گذاشتن تاج گل بر مزار سرباز گمنام روسی در فردای روز رژه نیروهای مسلح روسیه در مسکو نشانه های دوری از آمریکا و همراهی با روسیه را همراه دارد. ح-ک

شرکت صفا نیکو بعثت اینکه مدیران در فهرست اتحادیه اروپا قرار گرفته بود ازدادگاه عمومی اتحادیه اروپا مطالبه خسارت کرد و حکم هم گرفت.

آقای اوپاما هم در تشریح تفاهم نامه به موضوع ناراحتی کشور از تحریم های آمریکا علیه ایران همراه اینکه ممکن است آن کشورها از همکاری در ادامه تحریم ها خودداری کنند اشاره روشن داشت بنابراین بنظر میرسد که اوضاع و احوال، غیرمقتضی نباشد که یکی از کشورهای گروه ۵+۱ در مقابل تصمیم کنگره آمریکا تسلیم نشده و موافقت نامه نهایی ۵+۱ و ایران رابه شورای امنیت تسلیم کند و یا اساسا حقوق استثنائی و اضافی کنگره آمریکا را معترض بشود.

راه حقوقی

بنظر میرسد که در مقابل تصمیم نادرست و غیرموجه و در واقع دخالت نا مشروع و نا متوازن کنگره دوره برای مقابله با آن وجود دارد:

نخست دیوان بین المللی دادگستری

دیوان بین المللی دادگستری در طول حیات حقوقی خود به ۱۲۲ مورد اختلاف بین کشورها رسیدگی کرده است و عموم کشورهای که اساسنامه دیوان را امضا کرده اند حق استفاده و مراجعه به دیوان را دارند ایران در سال ۱۹۴۲ (زمان شاهنشاهی ایران) عضویت دیوان را پذیرفته است.

ایران ۴ بار به دیوان بین المللی مراجعه داشته است که دوبار خواهان و دوبار خوانده بوده است؛ که در یک مورد که ایران خواهان بوده (دعوی ایران علیه آمریکا در مورد سکوهاى نفتی) بعد از ۱۱ سال منجر به رای دیوان شد.

این مختصر از موقعیت و آرامی رسیدگی دیوان به این دلیل مورد اشاره قرار گرفت که مراجعه به دیوان با آنکه پایگاه حقوقی دادخواهی ایران از دخالت کنگره آمریکا در موضوع است ولی برای حفاظتی تنبان نمیشود.

راه دوم

راه دوم همان است که قبلا مورد اشاره قرار گرفت و یکی از کشورهای گروه ۵+۱ راسا با اعلام توافق نامه ۵+۱ با ایران به شورای امنیت سازمان ملل نقش گروه ۵+۱ را خاتمه یافته تلقی کند و اگر آمریکا نسبت به اقدام کشور مزبور ایرادی دارد مسئله ارتباطی به ایران پیدا نمیکند و میشود اختلاف بین اعضای گروه ۵+۱ .

از گوشواره های راه حل دوم امضای پروتکل الحاقی آژانس اتمی توسط ایران است که هرچه بعقب افتد به ادعای آمریکا جامعیت میدهد.

همیشه در مواقع سخت، کشور به مردان متعهد و کاردان و جامعه منورومیهن پرست نیاز دارد که متاسفانه ایران امروز بکل از آنها خالی است. جامعه مذهبی حاکم است که اساسا برای منافع ملی و ایران و حاکمیت مردم حق و حقوقی قائل نیست و بار نکبت هم تحمیل آن میکند، جامعه از مردان کاردان و متعهد خالی

است و مردانی با مشکل هسته ای روبرو هستند که در مصاحبه با صدا و سیمای جمهوری اسلامی بعد از مذاکرات وین می گویند:

«انشاء الله به تفاهم میرسیم و اگر هم نرسیم فاجعه ای رخ نداده و در آینده هم اگر بتوافق نرسیم باز هم مهم نیست برای ما اصول مهم است» (اصول یعنی اسلام)

(محمد جواد ظریف)

واکنش ایران نسبت به تصمیم سنای آمریکا

بر عهده تحریر دیگری خواهد بود